

در رابطه با اهمیت بحث منجی گرایی و مهدویت در جلسه اول نکاتی عرض شد خدمت شما . این مسئله از لحاظ اعتقادی طبق آیات قرآن و روایات بسیار مهم است چه از نظر اجتماعی و چه از نظر سیاسی و فرهنگی و در این خصوص چندین نکته عرض شد . این مبحث کاملاً به روز است و اینکه بدانیم مقابله دشمنان با اسلام و مخصوصاً تشیع و جمهوری اسلامی ایران به خاطر عقیده به مهدویت و منجی گرایی است . همانطور که در جلسه اول بصورت مختصر خدمتتان عرض شد گروهی وجود دارند به نام "اوانجلسست" طبق آمار اوانجلسست‌ها در کل دنیا حدود ۲۰۰ میلیون نفر هستند. در مقام قیاس یهودیت ۱۳ میلیون هستند و یهودی‌ها عقیده ای هم در این زمینه دارند که میگویند برای دین ما تبلیغاتی وجود ندارد و کسی نمی‌تواند یهودی شود مگر اینکه یهودی زاده باشد یعنی کسی درخواست کند و بخواهد یهودی شود اجازه نخواهند داد چون یهودی زاده نیست لذا همیشه تعدادشان محدود بوده اما ما مسیحی‌هایی داریم که صهیونیسم هستند البته این نکته را باید عرض کنم که تمام این ۱۳ میلیون نفر هم خیلی هایشان صهیونیسم نیستند ۵ یا ۶ میلیون نفر از آنها ساکن فلسطین اشغالی هستند و یا ممکن است در سایر نقاط دنیا هم ساکن باشند . اما آن ۲۰۰ میلیون اوانجلسست همان مسیحیان صهیونیسم هستند که به این نام خوانده می‌شوند. اینها چه عقیده ای دارند؟ عقاید خود را بر پایه ۷ محور بنا گذاشته اند : بعضی از اینها را خدمتتان عرض میکنم. اول اینکه یهودیان باید برگردند و در فلسطین ساکن بشوند البته قبلاً این اعتقاد رو نداشتند. در قرن ۱۹ اعتقاد داشتند که یک حکومت یهودی در اروپا تشکیل شود و آنجا بایستی تبدیل به مدینه فاضله گردد البته اعتقاد به مدینه فاضله و منجی گرایی از همان ابتدا در فطرت بشر بوده است . سال‌ها و قرن‌ها قبل از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) افلاطون کتابی دارد به نام "آتوپیا" (به معنای لامکان در چاپ‌های جدید به رساله جمهوری معروف و منتشر شده این معنا بیان کننده محلی است که در آن تمامی افراد در صلح و عدل و داد در کنار هم زندگی خواهند کرد ... این معنا همان مدینه فاضله است ) . در این کتاب افلاطون برنامه‌هایی را مطرح می‌کند که اگر مردم این موارد را رعایت کنند آن آتوپیا موجود خواهد شد گرچه که بعد ها افراد دیگر نقد‌هایی به این کتاب وارد کرده‌اند ولی مخلص کلام اینکه از دیرباز بشر در این آرزو بوده که شرایط و حکومتی جهانی تشکیل شود و همه در نهایت عدل و داد در کنار یکدیگر زندگی کنند .

در ادامه بحث اوانجلسست‌ها عرض می‌شود که اینها معتقد به برپایی حکومت در اروپا بودند این تئوری به نتیجه نرسید سپس به آمریکا مهاجرت کردند و گفتند که مبدأ و شروع قیام از همین محل خواهد بود که پس از آن طبق سیاست‌های باطل خودشان مکانی در فلسطین اشغالی را برگزیدند و گفته شد که یهودیان باید برگردند به فلسطین اشغالی و در آنجا حکومتی قوی تأسیس گردد و صهیونیسم حکمرانی کند و در آن منطقه پیام کتاب مقدس یهودیان به سراسر دنیا ارسال گردد . در ادامه این مطالب گفته می‌شود اوانجلسست‌ها معتقد هستند که هفت سال جنگ و قحطی و بیماری خواهد شد و حضرت مسیح متولد می‌گردد و در آخر جنگ بزرگ آرماگدون اتفاق خواهد افتاد . که در این خصوص فیلم‌های زیادی هم تهیه شده حتی با همین عنوان آرماگدون. "آر" به معنی کوه است و "مجدون" یا همان "مگدون" به منطقه‌ی بلند گفته میشود و این منطقه در فلسطین اشغالی و رژیم صهیونیستی قرار دارد جنگی بزرگ در آنجا رخ خواهد داد و قریب به دو سوم مردم دنیا در آنجا کشته می‌شوند و خون تا بالای کوه می‌آید . این اعتقاد آنها است . حالا مقایسه‌ای در این زمینه با اعتقاد شیعیان انجام دهیم . ما شیعیان می‌گوییم حضرت مهدی علیه السلام همانطور که از نام مبارکشان برداشت میشود ، مهدی نامیده شده‌اند. طبق روایت امام صادق (ع) زمانی که ایشان ظهور کنند تمامی کتب الهی را از کوهی استخراج نموده و بر مردم عرضه خواهند کرد، در آن روز مردم گروه گروه مسلمان میشوند . این منجی ما است که منجی صلح و عدل و داد خواهد شد . اما منجی که صهیونیسم به آن اعتقاد دارد قبل از ظهورش جنگ آرماگدون رخ خواهد داد و تعداد زیادی از افراد کشته میشوند و بعد از آن هم که منجی ظهور می‌کند جنگ‌های مفصل خود را دارد بعد این‌ها هستند که اسلام را دین خشونت می‌نامند و توهین به ساحت مقدس پیامبر اعظم می‌کنند و دین خود را دین صلح می‌خوانند. البته ما هم قائل به این مسئله هستیم که تمامی ادیان الهی دین صلح هستند و با یک هدف آمده‌اند ولی چون دست خوش تحریف و تغییر قرار گرفته‌اند این چنین اعتقاداتی هم در آنها پیدا شده است. در این خصوص به حمله اتمی به هیروشیما و ناکازاکی اشاره می‌کنیم که جزو بزرگترین و بی سابقه ترین جنایات تاریخ است عنوانش رو گذاشته اند "تخلیث" یعنی رمز عملیات تخلیث بود (سه خدایی) آن وقت دین اسلام را دین تروریسم می‌نامند و دین مسیحیت را دین صلح معرفی می‌کنند . پس نتیجه اینکه بعضی یهودیان در فلسطین اشغالی ساکن می‌شوند و اوانجلسست‌ها هم تا پای جان از این‌ها حمایت می‌کنند تا زمانی جنگ آرماگدون رخ دهد و منجی آنها ظهور کند و بر دنیا حکمرانی کنند. پس این اهمیت قضیه منجی گرایی را نشان می‌دهد که عامل محرکی شده برای تشکیل یک رژیم مجعول و فاسد، همچنین عاملی برای تصمیمگیری در مسائل کلان دنیا.

ریگان ، بوش و ترامپ اوانجلسست هستند که زمامدار حکومت آمریکا بودند. علی رغم اینکه بعضاً ممکن است محکومیت‌های بین المللی شاملشان شود اما باز هم ملتزم به حمایت همه جانبه از اسرائیل هستند.



هرجا که نیاز به حمایت از اسرائیل باشد با هم متحد می‌شوند. این اقدام نشئت گرفته از عقیده منجی گرایی آنها است . مقدمه ای در این خصوص خدمت شما بیان میشود بصورت اجمالی ولی در جلسه آینده بطور مفصل بحث خواهد شد .

تمام ادیان الهی معتبر هستند. هم اکنون ادیان مطرح در جهان عبارت اند از: اسلام - مسیحیت - یهود - هندو - زرتشت. این پنج دین است البته بودایی و ... هم فرقه هایی از هندوها هستند. هر کدام عقایدی دارند نسبت به منجی گرایی در این جلسه تنها به دین زرتشت اشاره میکنیم دیگر ادیان رو در جلسات آینده در خدمت شما عرض خواهیم کرد.

قضیه منجی گرایی به اندازه ای دارای اهمیت است که تمامی ادیان حتی فرقه های بی دین ... مجدد عرض می کنم حتی بی دین ها، "آتئیست ها" هم به این مسئله قائل هستند و می گویند ما خدا را قبول نداریم اما منجی و آمدن او را قبول داریم. به مثال خدمت شما عرض می کنم:

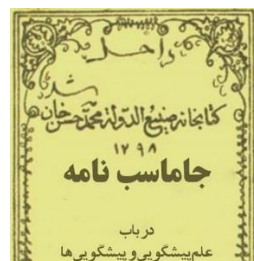
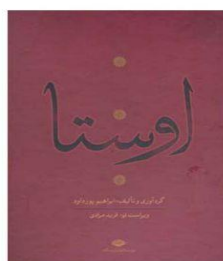
فردی به نام "اوم شین ریگو" در ژاپن زندگی می کرد که دولت ژاپن پس از بازداشت، او را به اعدام محکوم کرد. این شخص استاد فلسفه بود و نابینا.



اهل ژاپن بود و به خدا اعتقاد نداشت ... می گفت: من یک سری محاسبات انجام دادم و معتقدم که به زودی شخصی برای بشریت خواهد آمد و بر دنیا حکم رانی خواهد کرد. یک حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد. طولی نگذشت که در ده کشور دنیا طرفدارانی پیدا کرد. که به دلایل مختلف بعدها بازداشت و به سبب اتهاماتی که به او نسبت داده شد اعدام شد.

درخصوص اعتقاد زرتشتیان به منجی:

حدود سه هزار سال قبل (که البته این زمان اختلافی است) زرتشت متولد شده. در همان زمان ایشان شاگردی داشته به نام "جاماسب" که ایشان وزیر گشتاسب هم بوده است. کتابی دار به نام "جاماسب نامه" در جاماسب نامه نوشته شده که پیامبر آخر الزمان در بین کوه های مکه پدیدار خواهد شد، از نوادگان دختر آن پیامبر که سید زنان عالم نام دارد (حضرت زهرا سلام الله علیها) شخصی خواهد آمد که به جای کمر و کلاه عبا و عمامه دارد، نه دراز باشد و نه کوتاه ... نه سیاه باشد و نه سفید ... گندم گون. روی به ایران نهد و آبادانی کند و دنیا را پر از عدل داد نماید. ببینید که چقدر شبیه به اعتقاد مهدویت شیعه است. مثالی دیگر در این خصوص اینکه: نام هر ماه در تقویم سال های شمسی اقتباسی از نام گزاری ساسانی بر ماه های سال است. به این سبب که در آن زمان دین اکثریت مردم ایران و همچنین حکومت ساسانی زرتشتی بوده است. این ها ماه های سال را به صفات منجی نام گذاری نموده اند. برای مثال چند نمونه را ذکر می کنیم. مثلاً ماه "آردی بهشت" به معنای مثل بهشت. می گویند وقتی منجی ما ظهور کند دنیا مثل بهشت خواهد شد. "آردی بهشت" یعنی شبیه بهشت همان مدینه فاضله ای که ما در اعتقاد شیعی به آن قائل هستیم در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام. مورد دیگر خرداد است. معنای خرداد معنای خرداد انسان کامل است. ماه دیگر "آمرداد" است. اگر تقویم زرتشتی را نگاه کنید مرداد به این شکل نوشته شده که بعداً به مرور زمان الف در تقویم شمسی حذف شده. معنای آن هم به معنای عمر طولانی داشتن است و می گویند منجی ما عمر طولانی دارد و به آن "سوشیانس" می گویند. ماه بعدی "شتریور" است که این هم باز در تقویم شمسی به شهرریور مشهور شده و به معنای سلطنت مستضعفین بر دنیا است. می گویند زمانی که منجی ما ظهور میکند شتریور خواهد شد یعنی مستضعفین بر دنیا حکومت خواهند کرد و این را شیعیان هم دارند (و نرید آن نَمْنُ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَّلَهُمْ أُمَّةً وَنَجَّلَهُمُ الْوَارِثِينَ) دقیقاً عین موارد ذکر شده در جاماسب نامه و بیسپرد است. "بیسپرد" هم نام کتاب دیگر زرتشتیان است (اوستا - ویسپرد و جاماسب نامه کتب زرتشتیان است).



ماه بعدی مهر است. به این معنا که معتقد هستند زمانی که منجی ظهور میکند مهر دوستی به اندازه ای زیاد می شود که گرگ و گوسفند در کنار هم در امن و سلامت زندگی می کنند و همسایه می شوند. که در منابع تشیع و اهل سنت هم این مورد ذکر شده مثلاً در کتاب "سنن ابن ماجه" تک جلدی صفحه ۱۳۶۵ آمده که گرگ برای گوسفند سگ خواهد شد این به این معنا است که انسان های گرگ صفت هدایت شده و صالح می گردند. دقیقاً در موازات همدیگر هستند هم زرتشت و هم اسلام و آخرین مثال هم "بوهمون" است که در تقویم ما به بهمن مشهور است در مورد بوهمون کتاب ها نوشته اند. "زند و همون یسن" یکی از کتاب هایی که در باره منجی خودشان نوشته اند. بوهمون لقب منجی زرتشت است به معنای "باقیمانده اهورا در روی زمین" چون قائل به ثنویت (دوخدایی) هستند. ما می گوئیم بقیت الله و آنها می گویند بوهمون، این نشان دهنده شباهت فراوان عقیده به منجی در اسلام و زرتشت همچنین این اشتراک در ادیان می باشد. مواردی که یاد شد بیانگر این مطلب است که منجی فقط منحصر به شیعه نیست این مطلب

در تمامی ادیان و حتی آئینست‌ها هم وجود دارد و یک امر فطری در انسان است . انشالله در جلسه بعد به بحث منجی گرایی در دیگر ادیان خواهیم پرداخت و سپس به مقوله منجی گرایی در عرفانهای نوظهور می پردازیم.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته